

## اسم خودمانی الگویی جهت بازنمایی رفتار کلامی اعتراض و رضایت در کردی کرمانشاهی<sup>۱</sup>

بهمن حیدری<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ساخت اسم خودمانی در کردی کرمانشاهی می‌پردازد. این پژوهش با بررسی ساخت اسم خودمانی، ضمن معرفی الگو یا الگوهای رایج ساخت اسم خودمانی، ابزارهای زبانی رمزگذاری رفتارهایی از قبیل رضایت و خشنودی را با توجه به مؤلفه سن، جنسیت و بافت مورد بررسی قرار می‌دهد. شیوه انجام پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است که طی دو مرحله اقدام به گردآوری داده‌ها از مدارس پسرانه روستایی، حومه شهر و داخل شهر کرمانشاه شده است. ابتدا صورت‌های خطایی اسم‌های خودمانی یک کلاس ۳۰ نفری و سپس، برای بررسی تأثیر مؤلفه جنسیت، سن و بافت اقدام به گردآوری داده در بین خانواده‌های جامعه آماری بالا گردید. بررسی نتایج نشان داد عامل جنسیت تأثیری در شکل‌گیری این فرایند ندارد، اما مؤلفه‌های سن و بافت نقش اصلی را ایفا می‌کنند. همچنین در کردی کرمانشاهی، بازنمایی رفتار کلامی اعتراض و خشنودی از طریق آمیزه‌ای از دو فرایند ترخیم و وندافزایی که از یک الگوی هجایی ثابت (CV.CVC) پیروی می‌کند، رمزگذاری می‌شود (bahman → bahəl). بر اساس الگوی اسم خودمانی مانند "بهل" که از حذف عناصری از یک اسم خاص مانند "بهمن" و افزودن پسوند‌های اسم خودمانی ساز (-əg, -əl, -i, -a) به دست می‌آید، امکان ابزار اعتراض یا خشنودی از رفتار مخاطب را برای گوینده در سطح صرف فراهم می‌کند. در پایان با استفاده از نظریه بهینگی محدودیت‌های حاکم بر ساخت اسم خودمانی شناسایی و مرتبه‌بندی شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** کردی کرمانشاهی، اسم خودمانی، بازنمایی کلامی، اعتراض، رضایت، نظریه بهینگی.

## ۱- مقدمه

به سبب برخی محدودیت‌ها، زبان نوشتاری قادر به بازنمایی تمامی آنچه در زبان گفتاری اتفاق می‌افتد، نیست. بعضی مواقع برای رهایی از این محدودیت‌ها فرایندهایی بر واژه‌های از پیش موجود اعمال می‌شود. زبان کردی برای بازنمایی رفتارهای کلامی از قبیل اعتراض و خوشنودی متوسل به فرایندی می‌شود که خود آمیزه‌ای از دو فرایند ترخیم و وندافزایی در واژه‌سازی است. گویشوران زبان کردی ناچارند در برخی موقعیت‌ها صورت اسامی خاص افراد را به گونه‌ای که منظور مورد نظر خویش را به مخاطب برسانند، تغییر دهند. قصد تحقیق شناساندن ابزارهای زبانی رمزگذاری اعتراض و رضایتمندی در کردی کرمانشاهی، تفاوت میان آنها و همچنین مؤلفه‌های دخیل در کاربرد نوع این ابزارها است که با تکیه بر داده‌های فراهم شده از برخی روستاهای بخش میان‌در بند کرمانشاه در قالب نظریه بهینگی<sup>۳</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خلق صورت جدید از صورت اسامی افراد تحت عناوین مختلفی در میان پژوهشگران ایرانی نام‌گذاری شده‌اند: اسم‌های کوتاه‌شده، اسم‌های تحبیبی و اسم‌های خودمانی<sup>۴</sup>. به اعتقاد صفوی (۱۳۹۲) صورت تخفیف‌یافته برای اشاره به صورت‌های مخفف نام‌ها مانند "هوشی" به جای "هوشنگ"، "قری" به جای "فریدون" و امثال آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد. کلباسی (۱۳۶۴) اصطلاح کوتاه کردن نام‌های خاص را به کار برده است. شقاقی (۱۳۸۹) بر خلاف کلباسی اشاره مستقیمی به کوتاه‌شدگی اسامی خاص افراد نکرده است. او در کتاب خود به نام مبانی صرف از اصطلاح کوتاه‌سازی و ترخیم برای همه مقولات نحوی اعم از فعل، اسم و ... استفاده کرده و حذف از جایگاه آغازی یا میانی را "کوتاه‌سازی" و حذف از جایگاه پایانی را "ترخیم" نام می‌نهد. کرد زعفرانلو (۱۳۸۲ الف و ب) در انتخاب نام این فرایند در دو مقاله که یکی به اسم‌های زبان انگلیسی و دیگری به اسم در لهجه کرمانی اختصاص دارد، وحدت رویه واحدی نداشته و از اسم تحبیبی، صورت کوتاه‌شده و صورت خودمانی استفاده کرده و تحلیل خود را در زبان انگلیسی در سطح هجا مورد بررسی قرار داده و خاطرنشان کرده ساخت این گونه اسامی با توجه به درجه رسایی عناصر واجی صورت می‌گیرد و این فرایند را در لهجه کرمانی ناشی از انتخاب یک هنجاری CVC(C) از ابتدای اسم اصلی و اضافه کردن پسوند

3. optimality theory

4. hypocoristic name

تصغیری [-U] می‌داند. محمودی بختیاری و شاه‌حسینی (۱۳۹۳) این گونه فرایند را هرچند مربوط به حوزه صرف دانسته‌اند، اما خاطر نشان کرده‌اند که بیشتر واحدهای واجی تحت تأثیر این فرایند قرار می‌گیرند. رنجبر (۱۳۹۴) ساخت اسم مصغر تحقیرآمیز در کردی را به صورت سه واج اول اسم خاص + گه /ga/ یا گ /əg/ شرح می‌دهد.

کاگر<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) کوتاه‌شدگی را یک اصطلاح کلی برای هر مقوله صرفی که با کاستن منظم عناصر واجی صورت پایه همراه است، می‌داند و ساخت اسم خودمانی را یک نمونه از فرایند کوتاه‌شدگی می‌داند. کریستال<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) اسم خودمانی را یک اصطلاح مورد استفاده در زبان‌شناسی برای اسامی مانند (Harold→Harry) می‌داند که همواره مورد توجه واج‌شناسی غیرخطی بوده است. کاتامبا<sup>۷</sup> و استون‌هام<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) موردی از ساخت اسم خودمانی در زبان نوتکا<sup>۹</sup> را توضیح می‌دهند که طی آن همزمان با کاستن عناصر واجی از بخش پایانی اسم خاص و تغییر در مشخصه‌های واجی واژه کلمه پایه، پسوند تصغیر /?is/ را به صورت کوتاه‌شده می‌افزایند:

hapuul > he:p-?is

در این زبان حتی وام‌واژه‌های اسامی خاص نیز در معرض همین فرایند قرار می‌گیرند:

sapir > se:p-?is

قبل از بررسی رویکرد نظریه بهینگی به کوتاه‌سازی، مطالعات صورت گرفته در قالب نظریه بهینگی با بررسی فرایند تکرار پیگیری می‌شد. مکاریتی<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۱) و مارانتز<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۲) نظریه CV مکاریتی (فرایندهای ساخت‌واژه به طور نظام‌مند در زبان‌های سامی) را برای آنچه در فرایند تکرار اتفاق افتاده بود، به کار گرفتند (کاتامبا و استون‌هام، همان: ۱۸۳). بنوا<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۵) نظریه تناظر در تکرار مکاریتی و پرینس<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۵) را به مبحث کوتاه‌سازی صرفی بسط داد. جنبه

- 
5. R. Kager
  6. D. Crystal
  7. F. Katamba
  8. J. Stoneham
  9. Nootka
  10. J. McCarthy
  11. A. Marantz
  12. L. Benua
  13. A. Prince

برجسته پدیده کوتاه‌سازی در مقایسه با تکرار در صورت‌های برون‌دادی مجزا از هم یعنی یک واژه مستقل در کوتاه‌سازی و باهم‌آیی یک صورت برون‌دادی در تکرار است. در تکرار، تناظر پایه-جزء مکرر بر حسب ارتباط باهم‌آیی دو صورت در یک کلمه تعریف می‌شود، در حالی که باهم‌آیی دو صورت در یک کلمه در پدیده کوتاه‌سازی مطرح نیست. بر اساس مدل اصلی بنوا، تناظر بین صورت پایه (B)، درون‌داد (I) و صورت برون‌دادی اسم خودمانی (T) از طریق محدودیت‌های همانندی صورت پایه-اسم خودمانی (BT-Identity) و محدودیت‌های وفاداری درون‌داد-پایه (IO-faithfulness) برقرار می‌شود:

(۱) مدل اصلی بنوا: همانندی پایه\_صورت کوتاه‌شده

[læri]	↔	صورت کوتاه‌شده [lær]
	↓	
[lAri]		صورت پایه وفاداری درون‌داد_برون‌داد
		درون‌داد

ارتباط تناظر بین پایه، درون‌داد و اسم خودمانی (larry → lar) از طریق محدودیت‌های همانندی صورت پایه-اسم خودمانی و محدودیت‌های وفاداری درون‌داد-پایه برقرار می‌شود:

تابلوی شماره (۱). اعمال محدودیت همانندی پایه\_صورت کوتاه‌شده

I: /lari/ B: [læ]	Ident-BT(Back)	*ær]σ	*Back-low
a. → [lær]			*
b. [lar]	*!	*	

## ۲- شیوه گردآوری داده‌ها

طی دو مرحله اقدام به گردآوری داده‌ها از مدارس روستایی، حومه شهر و داخل شهر کرمانشاه شده است. در مرحله اول به سبب اشتغال خود نگارنده به حرفه معلمی در فواصل زمانی مختلف که تدریس در جریان نبوده و دانش‌آموزان آزادانه مشغول گفتگو با یکدیگر بوده‌اند و یا هنگام زنگ تفریح و ورزش از مورد خطاب قرار دادن دانش‌آموزان توسط یکدیگر یادداشت‌برداری نموده است. در مرحله دوم از دانش‌آموزان خواسته شد با مشاهده موارد مشابه در محیط خانه و زندگی خود اقدام به گردآوری داده کنند. نتایج حاصل از یادداشت‌های نگارنده و مشاهدات یک کلاس ۳۰ نفری که ساکن در روستاهای مختلف بخش میان‌دربند

کرمانشاه بودند، بر پیوستاری از حداکثر تا حداقل به صورت زیر است:

۲) نمودار میزان کاربرد صورت‌های خودمانی

روستا \_\_\_\_\_ حومه شهر \_\_\_\_\_ شهر \_\_\_\_\_

زیاد \_\_\_\_\_ تا حدودی \_\_\_\_\_ کم \_\_\_\_\_

بیشترین ساخت اسم‌های خودمانی اختصاص به بافت روستایی داشت که در این بین مؤلفه سن نقش بسزایی را بازی می‌کند؛ به طوری که هرچه سن افراد افزایش پیدا می‌کند، استفاده از اسم‌های خودمانی کمتر می‌شود. مؤلفه جنسیت بر ساخت اسم‌های خودمانی بی‌تأثیر است و فرایند ساخت اسم خودمانی بر تمامی اسامی مذکر و مؤنث به طور یکسان اعمال می‌شود. گویشوران کرد کرمانشاهی در تعاملات روزمره میان هم‌ترازهای اجتماعی خویش مانند دوستان و همچنین در بین اعضای خانواده خطاب حاوی اسم کوچک را به خطاب اسم خودمانی با توجه به مؤلفه سن و نفوذ افراد تغییر می‌دهند. بچه‌ها آزاد هستند همدیگر را با اسم خودمانی بدون داشتن منظوری خاص مورد خطاب قرار دهند. همچنین اعضای بزرگ خانواده می‌توانند این صورت‌ها را برای اعضاء کوچک‌تر به کار ببرند، اما با افزایش سن افراد کاربرد اسم خودمانی شکل معناداری به خود می‌گیرد. افراد آزاد نیستند در هر شرایطی این صورت‌ها را به کار گیرند، مگر در شرایط خاص چون کنش تهدیدکننده و وجهه محسوب می‌شود. یول<sup>۱۴</sup> (۱۳۹۳) و براون<sup>۱۵</sup> و یول (۱۹۸۹) معتقدند اگر گوینده مطلبی بگوید که انتظارات خودانگاره شخص دیگر را تهدید کند، می‌تواند مطلبی بگوید که از میزان تهدید احتمالی کاسته شود. یکی از راهبردهایی که طرف‌های درگیر در مشاجره لفظی جهت تحقیر طرف مقابل به کار می‌برند، استفاده از صورت‌های خطابی است. والدین نیز جهت اعتراض یا رضایت از رفتار فرزندانشان صورت‌های خطابی متفاوتی با نام فرزندانشان می‌سازند. حامیان دستور پیدایشی که واضع آن هاپر<sup>۱۶</sup> است، مفاهیمی همچون اسم و فعل را در واقع بازتاب و تبلور راهبردهای ارتباطی و تشکیل کلام/گفتمان می‌دانند (دبیرمقدم، ۱۳۸۷). در کردی کرمانشاهی یک گزینه برای بازنمایی

14. G. Yule

15. G. Brown

16. P. Hopper

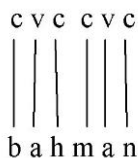
حالت اعتراض و رضایت با استفاده از پسوندهای خودمانی‌ساز صورت می‌گیرد. /-əɪ/ /-əɪg/ و /-a/ و /-i/ پسوندهای خودمان‌سازی هستند که با افزوده شدن به بخش کوتاه‌شده اسامی خاص امکان ابراز رفتار کلامی اعتراض و رضایت را برای گوینده در سطح صرف فراهم می‌کنند.

### ۳- ساخت صورت‌های خطابی از اسم خاص افراد در کردی کرمانشاهی

کردی کرمانشاهی یکی از گونه‌های شاخهٔ جنوبی زبان کردی است که در شهر کرمانشاه و اطراف آن تکلم می‌شود و دارای بیشترین گویشور در شاخهٔ جنوبی است (رنجبر، همان: ۴). ساخت صورت‌های خطابی از اسم خاص افراد کمابیش در تمامی گویش‌های زبان کردی وجود دارد اما به سبب اینکه کردی کرمانشاهی نقش یک زبان میانجی را در مناطق جنوبی کردنشین بازی می‌کند، بررسی ساخت اسم خودمانی بر روی داده‌های بخش میان‌دربند کرمانشاه یکی از سیزده دهستان شهرستان کرمانشاه صورت گرفته است. این دهستان از شمال به دهستان بیلوار، از جنوب به دهستان بالادربند، از غرب به دهستان رازآور و از شرق به شهر کرمانشاه و دهستان درود فرامان محدود می‌شود. جاده‌های اصلی کرمانشاه-سنندج و کرمانشاه-روانسر به ترتیب از مرزهای شمالی و جنوبی دهستان می‌گذرند و سبب ایجاد یک موقعیت منحصر به فرد ارتباطی در سطح این دهستان گردیده است. در کردی کرمانشاهی از پسوندهای متنوعی در ساخت اسم خودمانی بهره گرفته می‌شود. این پسوندها در عین حال که به واحدهای واجی کوتاه‌شده از اسم خاص افزوده می‌شوند، هر کدام تداعی‌کنندهٔ معانی خاصی هستند. پسوندهای اسم خودمانی‌ساز /-əɪ/ و /-əɪg/ بازنمایی شدت خشم و اعتراض و پسوندهای اسم خودمانی‌ساز /-a/ و /-i/ بازنمایی خرسندی در صورت‌های خطابی را بر عهده دارند. رمزگذاری رفتارهای زبانی اعتراض و خرسندی از طریق پسوندهای خودمانی‌ساز که با فرایندهای ترخیم و وندافزایی انجام می‌شود، در الگوی (۳) در ساخت اسم خودمانی "بهل" از اسم خاص "بهمن" نشان داده شده است:

۳) اولین مرحله از تشکیل اسم خودمانی کپی از ملودی واجی صورت پایه است:

الف) صورت پایه:



ب) عناصر واجی و شکل سازه اسم خودمانی:

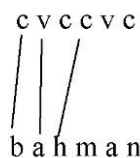


پ) کپی از ملودی واجی صورت پایه:

c v c c v c

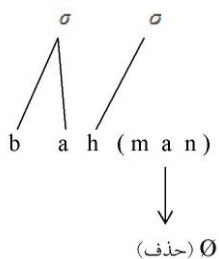
b a h m a n

ت) پیوند ملودی واجی کپی شده با لایه اسکلتی CV:



ث) حذف عناصر واجی و جایگاه بدون پیوند:

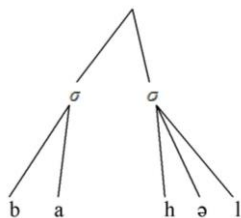
hypocoristic names



ج) برون داد: ba.h

چ) وندافزایی:

Hypocoristic Template



با اعمال فرایندهای ترخیم و وندافزایی می‌توان تعمیم توصیفی زیر را به دست آورد که در مورد کلیه اسامی خاص افراد صادق است:

- در اسم‌های خودمانی هجای نخست نباید بسته باشد، در این صورت همزمان با تغییر جایگاه تکیه، جایگاه آغاز هجای دوم با آخرین همخوان هجای اول پر می‌شود، مگر در مواردی که همخوان هجاهای بعدی از کمترین میزان رسایی برخوردار باشند.
- از این تعمیم توصیفی این طور استنباط می‌شود که محدودیت نشان‌داری NO-CODA-ONSET که صورت‌های با هجای بسته آغازین را جایز نمی‌شمارد، با تسلط بر محدودیت وفاداری حذف MAX جبران می‌شود:

تابلوی شماره (۲). مرتبه‌بندی محدودیت‌های MAX >> NO-CODA onset در اسم خودمانی "بهل"

bahman	NO-CODAonset	MAXBT
bah.man	*!	
→ba.həl		*

در اسم‌های خاص افراد مانند "سینا" با ساختار دو هجای باز که صورت اسم خودمانی آن "سینگ" می‌شود، یک واحد واجی حذف و دو واحد واجی درج می‌شود؛ پس محدودیت وفاداری حذف بر محدودیت وفاداری درج تسلط دارد:

MAX >> DEP

(۴) فرایند ترخیم و وندافزایی اسم "سینا":

Input: /sina/  
 Syllabication: [si.na]  
 Clipping: [si.n]  
 Affixing: [sinəg]  
 Resyllabication: [si.nəg]  
 hypocoristic names: /sinəg/

در اسم‌های خاصی مانند "سجاد" که ساختاری یکسان با الگوی (۳) اسم خودمانی دارد، آنچه باعث تمایز این دو الگوی یکسان از یکدیگر می‌شود، جایگاه تکیه است. در مدل وند-محور<sup>۱۷</sup>



نظریه واج‌شناسی یا صرف واژگانی کیپارسکی<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۲) و مهنن<sup>۱۹</sup> (۱۹۸۶) وندهای لایه اول جایگاه تکیه را تغییر می‌دهند. در ساخت صورت‌های اسم خودمانی کردی کرمانشاهی نیز هنگام اضافه کردن وندهای خودمانی‌ساز، جایگاه تکیه از هجای اول به هجای دوم تغییر می‌کند. تغییر جایگاه هجا حاکی از تسلط محدودیت نشان‌داری STREES\_TO-WEIGHT بر NO-onset CODA است:

STREES\_TO-WEIGHT >> NO-CODAnset

(۵) فرایند ترخیم و وندافزایی اسم "سجاد":

Input: /sajad/

Syllabication: ['sa.jad]

Clipping: [sa.j]

Affixing: [sa'jəg]

Resyllabication: [sa.jəg]

hypocoristic names: /sa'jəg/

تابلوی شماره (۳). مرتبه‌بندی محدودیت‌های STRES\_TO\_WEGHTE >> NO\_CODA در اسم خودمانی "سجگ"

sajad	STREES-TO-WGHT	NO-CODAnset	MAXBT	DEPBT
'sa.jad	*!			
→sa.'jəg			*	**

در اسم‌های خاص افراد مانند "بهنن" که با هجای بسته تولید می‌شوند، جایگاه آغاز هجای دوم با همخوان پایانی هجای اول پر می‌شود:

(۶) فرایند ترخیم و وندافزایی اسم "بهنن":

Input: bahman

Syllabication: bah.man

Clipping: bah

Affixing: bahəl

Resyllabication: ba.həl

hypocoristic names: bahəl

18. P. Kiparsky

19. K. Mohanan

تابلوی شماره (۴). مرتبه‌بندی محدودیت‌های **MAX** >> **NO-CODA onset** در اسم خودمانی "بهل"

bahman	NO-CODAonset	MAXBT
Bah.man	*!	
→Ba.həl		*

اسمیت<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۳) محدودیت **M/a**\* را به طور مشخص برای آغاز هجا توضیح داد و محدودیت ساختاری **ONSET/X**\* را درباره میزان رسایی و ساخت هجا مطرح کرد. وی معتقد است یک گرایش عام در زبان‌ها وجود دارد که واج‌های با رسایی کمتر آغاز هجا را پر کنند (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴: ۱۲۳؛ مکاری، ۲۰۰۸: ۱۸۷). این گرایش عام زبان‌ها که همخوان‌های غیرسا را در آغاز هجا ترجیح می‌دهند، از نظر شنیداری طبیعی است زیرا طیف فرکانسی همخوان‌های غیرسا حداکثر تفاوت را با طیف فرکانسی واکه‌ها و همخوان‌های سا دارد و بنابراین، گذر از آغاز به مرکز هجا با بیشترین میزان برجستگی ساخت هجا همراه است (بی‌جن‌خان، همان: ۱۲۶). اسمیت (۲۰۰۳) این گرایش عام را با محدودیت‌های زیر در چارچوب نظریه بهینگی صورت‌بندی کرد:

**ONSET/X**\* سمت چپی‌ترین واج در آغاز هجا نباید دارای سطح **X** میزان رسایی باشد.

واضح است که هرچه میزان رسایی واجی که آغاز را پر می‌کند، بیشتر باشد، سطح **X** نشان‌دارتر است. لذا محدودیت **ONSET/X** به صورت زیر بسط داده می‌شود:

**\*ONS/approx** >> **\*ONS/trill** >> **\*ONS/nas** >> **\*ONS/plos**

در گونه جافی از کردی سورانی (حیدری، ۱۳۹۲: ۶۰) وام‌واژه‌هایی مانند مسلمان /mosalman/ و مسمار /mesmar/ به صورت [bəsəlman] و [bəzmar] تلفظ می‌شوند:

mosalman > bəsəlman

mesmar > bəzmar

تابلوی شماره (۵). مرتبه‌بندی محدودیت‌های **\*ONS/plos** >> **\*ONS/nas** در وام‌واژه "بسلمان"

/mosalman/	*ONS/nas	*ONS/plos
a. →bəsəlman		*
b. mosalman	*!	

در ساخت اسم‌های خودمانی از اسم خاص چندهجایی مانند "خداکرم"، همخوانی به عنوان

آغاز هجای دوم درج می‌شود که از کمترین میزان رسایی برخوردار باشد. از میان سه همخوان /d, k, r/ تنها همخوان /k/ جایگاه آغاز هجای دوم را بر می‌کند:

xodakaram → xokəl

تابلوی شماره (۶). مرتبه‌بندی محدودیت‌های \*ONS/plos >> \*ONS/trill در اسم خودمانی "خوآکل"

/xodakaram/	*ONS/trill	*ONS/plos
a. [xo.dəg]		**!
→b. [xo.kəl]		*
c. [xo.rəg]	*!	

با توجه به جدول شماره (۶)، در مورد اسمی مانند هاید "hayde → [hay.de]" از بین دو واج /y/ و /d/ مناسب‌ترین گزینه برای آغاز هجای دوم واج /d/ است، اما گویشوران کرد با درج واج /k/ به عنوان آغاز هجای دوم، اسم‌های خودمانی [həkəl] و [haki] را می‌سازند. خطاب [həkəl] ناشی از اعتراض و عدم رضایت و خطاب [haki] ناشی از میزان خشنودی و رضایت از وی است.

تابلوی شماره (۷). مرتبه‌بندی محدودیت‌های \*ONS/plos >> \*ONS/fric در اسم خودمانی "هاکل"

hayde	*ONS/fric	*ONS/plos
ha.yəl	*!	
ha.dəl		**!
→ha.kəl		*

در سلسله‌مراتب رسایی، انسدادی بی‌واک از حداقل میزان رسایی در بین آواها برخوردار است؛ به همین خاطر آوای /k/ با یک ستاره و آوای /d/ که واگذار است، با دو ستاره جریمه می‌شود.

#### ۴- نتیجه‌گیری

مطالعه ساخت اسم‌های خودمانی بخش میان‌در بند کرمانشاه نشان داد یک گزینه برای بازنمایی حالت اعتراض و رضایت استفاده از پسوندهای اسم خودمانی ساز است. /-əg/, /-əl/, /-a/ و /-i/ پسوندهای اسم خودمانی سازی هستند که با افزوده شدن به بخش کوتاه‌شده اسم خاص ویژگی معنایی اعتراض و رضایت از رفتار مخاطب را برای گوینده در سطح صرف رمزگذاری می‌کنند (Bahman → Bahəl). با در نظر گرفتن مؤلفه سن و بافت، /-əg/ و /-əl/ بازنمایی اعتراض به رفتار مخاطب و پسوندهای اسم خودمانی ساز /-a/ و /-i/ بازنمایی خرسندی از رفتار مخاطب را

بر عهده دارند. در نتیجه مطالعه ساخت صوری اسم‌های خودمانی در کردی کرمانشاهی که با اعمال فرایندهای ترخیم و وندافزایی همراه بود، عناصر زنجیری از قبیل واج و عناصر زیرزنجیری از قبیل تکیه تحت تأثیر قرار می‌گیرد که با بررسی این تغییرات بر اساس مدل اصلی بنوا در بهینگی مشخص شد تغییر جایگاه تکیه ناشی از تسلط محدودیت -STREES\_TO- NO-CODA-ONSET >> WEIGHT و انتخاب نارساترین همخوان آغازۀ هجای دوم از رهگذر تسلط محدودیت \*ONSET/ X حاصل می‌شود. همچنین با توجه به کاربرد اسم خودمانی در بافت روستایی و شهری کرمانشاه این پسوندها را می‌توان بر پیوستاری از حداکثر تا حداقل از روستا تا شهر نشان داد که در طرف حداکثر پسوندهای اسم خودمانی ساز /-əɪ/ و /-əɪ/ و در طرف دیگر پسوند اسم خودمانی ساز /-i/ قرار می‌گیرند که این کاهش کاربرد متأثر از زبان فارسی است که در فارسی پسوند /-i/ الگوی رایج در ساخت اسم خودمانی است.

### منابع

- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی، نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- حیدری، بهمن (۱۳۹۲). *فرایندهای واجی گونه جافی از گویش سورانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.
- رنجبر، وحید (۱۳۹۴). *دستور زبان کردی گویش کرمانشاهی*. تهران: هرمس.
- شفاق، ویدا (۱۳۸۹). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۲). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۸۲ الف). *ساخت اسم‌های تحبیبی در زبان انگلیسی*. *پژوهشنامه ادب غنایی*، سال اول، شماره ۱، ۱۲۵-۱۳۲.
- (۱۳۸۲ ب). *ساخت صورت‌های کوتاه‌شده یا خودمانی اسم در لهجه کرمانی*. *ادب و زبان*، شماره ۱۹، ۱۰۹-۱۲۰.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۴). *کوتاه کردن نام خاص در زبان فارسی محاوره‌ای*. *زبان‌شناسی*، سال دوم، شماره ۳، ۴۷-۵۰.
- محمودی بختیاری، بهروز و فایقه شاه‌حسینی (۱۳۹۳). *فرایند کوتاه‌سازی نام‌های خاص در زبان فارسی*. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۳۴، ۱-۲۰.

یول، جورج (۱۳۹۳). کاربردشناسی زبان. مترجم: محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

- Benua, L. (1995). Identity Effects in Morphological Truncation. In: J. Beckman, L. Walsh-Dickey & S. Urbanczyk (Eds.), *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18. Papers in Optimality Theory*.
- Brown, G. & G. Yule (1989). *Discourse analysis*. New York: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*. United Kingdom: Blackwell.
- Hopper, P. (1987). Emergent Grammar. *BLS*, 13, 139-157.
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Katamba, F. & J. Stoneham (2006). *Morphology*. New York: Palgrave Macmillan.
- Kiparsky, P. (1982). *From Cyclic Phonology to Lexical Phonology*. Oxford: Blackwell.
- Marantz, A. (1982). Re-reduplication. *LI*, 13, 483-545.
- McCarthy, J. (1981). A Prosodic Theory of Nonconcatenative Morphology. *LI*, 12, 373-418.
- (2008). *Doing Optimality Theory: Applying Theory to Data*. United Kingdom: Blackwell.
- & A. Prince (1995). Faithfulness and Reduplicative Identity. In: J. Beckman, L. Walsh-Dickey & S. Urbanczyk (Eds.), *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18. Papers in Optimality Theory*.
- Mohanan, K. P. (1986). *The Theory of Lexical Phonology*. Dordrecht: Reidel.
- Smith, J. (2003). Onset Sonority Constraints and Sub Syllabic Structure. In: J. R. Rennison, M. A. Pöchtrager, & F. Neubarth (Eds.), *Phonologica*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.

